

سرمایه داران داخلی ، هم پیمانان سرمایه داری غرب

زهرا وفائی



در اینکه دولت آمریکا تمثیل يك حکومت سرمایه داری از نوع برده داری ، صد البته ، می باشد تردیدی نیست . علیرغم تبلیغات وسیعی که آمریکا در خصوص تعریف خود بعنوان يك کشور دموکرات و منطبق با اصول ها و آرمانهای انسان دوستانه می نماید ، امروز بر همگان واقعیت این کشور عیان است . چرا که اساس حکومت این کشور بر پایه های سرمایه داری بنا گردیده است و تعالی در سرمایه داری همواره بصورت عقب گرد در اصول اخلاقی و انسانی بوده است و می باشد . فلذا تعالی و پیشرفت این کشور اگر چه در منحنی های نمایشگر اقتصاد و سرمایه رو به بالا می رود ، در خصوص ایده های بشری همواره در حال افول است . از خصوصیات ویژه سرمایه داری افزودن بر سرمایه با ترویج فرهنگ مصرف ، افراط و تفریط ، تجمل و تظاهر و در کنار آن عوام فریبی وسیع می باشد . برای حکومت سرمایه دار همه چیز بصورت دلار متجلی می گردد . و طبیعی است که برای چنین حکومتی خواست مردم ، فرهنگ مردم ، نیاز های انسانی و طبیعی مردم ، شئون و حیثیت و همه و همه بر اساس دلار محاسبه می شود . و بر همان اساس ارزش گذاری می گردد . امروز وضعیت حکومتی آمریکا در برابر وضعیت مردمان آن تمثیلی از يك دیکتاتوری مطلق سرمایه داری است که واقعا زندگی را برای مردمانش به صورت شکنجه ای برای کسب دلار در آورده است . هر آمریکایی زمانی که چشم از خواب بر میگرد اولین کلمه ای که به ذهنش می رسد (دلار بیشتر) است ! این است آرمان میلیون ها آمریکایی و در راس آنها حکومتی که گرفتار دست لابی هلی صیهونیستی است و تمامی مراحل تصمیم گیری و اجرای حکومتی از آنان ناشی میشود و آرمان صیهونیست ها همانا گرفتار نمودن مردم جهان از سویی در چنگال نیاز های مادی و از سوي دیگر تهی نمودن مردم از هویت های دینی و فرهنگی و ملیتی است .

با این اوصاف اگر بخواهیم نکات مشترکی را میان جهان شرق و سرمایه داری غرب بیابیم اگر چه به ظاهر چیزی نخواهیم یافت اما با اندکی دقت در ترفند های هزارگونه سرمایه داری ، میتوانیم رد پا و اثرگذاریهای را در این بین پی گیری کنیم . آنچه که به نامهای نظم نوین جهانی ، یکسان سازی اقتصادی ، دهکده جهانی و تبلیغ میگردد در کشورهای جهان سومی بصورت بانک های رنگارنگ ، بصورت بهره های بانکی ، بصورت سرمایه گذاریهای شرکتی ، بصورت خرید و فروش سهام ، بصورت تبدیل ارز و طلا ، بصورت کارتهای خرید و اعتباری ، بصورت سهامداری و سپرده گذاری ، بصورت سازمانها و مراکز نیمه دولتی ، بصورت بخش های خصوصی و ... جلوه گر می گردد . از آنجا که اساس چنین تحولاتی بر مبنای (دلار بیشتر به هر بهایی) گذارده میشود ، اولین قربانی چنین تحولاتی خیل عظیم مردمانی هستند که ابتداء بواسطه فرهنگ دیرینه خود با چنین مسائلی بیگانه و نا مانوس هستند . اما سرمایه داران میدانند چگونه این مردم را با چنین ترفندهایی مانوس نمایند . آنان در سو استفاده از فقر اطلاعاتی و فقر اقتصادی مردم ، با وام های بانکی ، جایزه های بانکی ، بهره های سهامداری ، با اولویت دادن رابطه بر ضابطه ، با فخر فروشی های کاذب ، با القا وجود تمدن در چنین کادرهایی ، با القا ترس از عقب ماندگی؟! و صد ها ترفند دیگر مردم را به مشارکت در چنین میدان هایی مجبور میسازند . و نهایتا اجبار به کسب در آمد بیشتر برای هزینه نمودن در فرهنگ مصرف ، افراط و تفریط ، تجمل گرایی و تخریب ، مردم را به سوي چنین برنامه هایی می کشاند . طبیعی است هر فردی که زندگیش با کاغذ پاره هایی به نام های اوراق مشارکت ، دفترچه پس انداز ، قبض های متعدد ، چک های بانکی ، اسکناس های رنگارنگ عجین شود ، دیگر برای اندیشه ای غیر ، مجالی نمی یابد ، و این همان وضعیت ایده آل سرمایه داری است !

چنین فردی دیگر از وضعیتی که برای کشورش، برای مردمش و حتی برای فرزندانش پیش می آید اندیشناک و نگران نیست. خبر مورد علاقه وی قیمت طلا و دلار و سکه است. تمامی صحبت های وی نیز در این حوزه دور می زند. انحطاط های اخلاقی و فرهنگی و پایمال گردیدن هویت و ملیت برای چنین کسانی در مراحل صدم به بعد قرار دارد. چنین افرادی هم پیمانان آمریکا در داخل کشور هستند که خواه و ناخواه هر لحظه به همصدایی با این دولت بر می خیزند.

+ بوجود آوردن منطقه امن؛ برای + سرمایه گذاری بیشتر؛ از شعارهای چندین و چند ساله این شیدان است. و منطقه امن زمانی بوجود می آید که مردمان آن سخت در گیر تلاش برای کسب دلار بیشتر و هزینه آن برای افراطی گریهایی از هر نوع، چه عیش و نوش و عیاشی و چه زیارت و مهمانی و عروسی های آنچنانی در حد تجمل و تظاهر باشند. طبیعی است اگر فردی در این میان فریاد فرهنگ طلبی و هویت خواهی و ملیت پرستی سر دهد، منطقه را نا امن میسازد و برای سرکوب وی می باید که باز به ترفندهای سرمایه داری روی آورد. قرار دادن چنین افرادی در تنگناهای مالی و دموکراسی و نهایتا بگیر و ببند، از فرامین

دیگته شده سرمایه داری غرب است. البته سرمایه دار غرب اگر در همین فریاد های فرهنگ طلبی و هویت خواهی و ملیت پرستی امکان + دلار یابی؛ بیابد با این فریاد ها هم همصدای گشته و میدان دیگری برای کسب درآمد بیشتر فراهم می نماید. از شیوه های سرمایه دار است که هر آن می تواند به هر لباسی درآید. در رویارویی با چنین اوصافی کشور ایران در قبال اشغال افغانستان - عراق - فروپاشی شوروی - تعامل فلسطین و اسرائیل - در قبال محاصره های اقتصادی و سیاسی - در قبال اوضاع داخلی چه انتخابات ریاست جمهور و چه مطالبات اقوام و ملل و ... در قبال صدها مسئله دیگر باید که گزینه برتر را برگزیند و آن همانا + همراهی با مردم و همصدائی با آنان؛ است در قبال خواست اکثریت و رد اقلیتی که بنا بر امتحانات بسیاری که داده اند مورد تردید عموم مردم قرار گرفته اند. جای بسی خوشوقتی است که مردم کشور علی رغم عدم دسترسی و حضور در تشکل های رسمی و احزاب به نام، چنان متشکل و منسجم در صحنه ها حضور می یابند و یا برعکس، حضور نمی یابند، که سرمایه داران غرب را از نفوذ در چنین محدوده ای مأیوس می سازند. البته ترفند های بیشمار سرمایه داری غرب نیز نباید نادیده انگاشته شود چراکه به یقین چندین و چند برنامه دیگر در آستین شعبده بازی خود محوط دارند.

Zohre_az@yahoo.com

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>